

بررسی راهکارهای افزایش دسترسی به آموزش عالی

نویسندگان: محمود مهرمحمدی*

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقصود فراستخواه

عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی عالی

معرفی مقاله

افزایش دسترسی به آموزش عالی و حرکت به سوی همگانی کردن آن، از پیش شرطهای اساسی توسعه علوم و فناوری در کشور است. در این مقاله سعی می‌شود با بررسی دلایل افزایش تقاضا برای بهره‌مندی از آموزش عالی و با توجه به استلزامات عصر اطلاعات و موج سوم چهارچوب اصلی نظام متوازن تحقق دسترسی به آموزش عالی تبیین شده و راهکارهای آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

کلید واژگان: آموزش عالی، دسترسی، توسعه علمی، عصر اطلاعات، نظام آموزشی

۱- مقدمه

افزایش دسترسی به آموزش عالی و حرکت به سوی همگانی کردن آن، از پیش شرطهای اساسی برنامه اولویتیهای ملی توسعه علوم و فناوری در کشور است. دوره‌ای که آموزش عالی، عمدتاً نخبه‌گرا بود و به طبقات متوسط و حداکثر برخی لایه‌های مجاور و پیرامونی آن اختصاص داشت، سپری شده است، آموزش عالی در جهان امروز، از دهه‌های پایانی قرن بیستم، رو به همگانی شدن گذاشته و به صورت تقاضای اجتماعی در آمده است. بویژه که با ظهور عصر اطلاعات، نیاز به دانستن بیش از هر وقت دیگر در گذشته، جنبه حیاتی به خود گرفته است.

در اواخر دهه ۸۰ و آغاز دهه ۹۰ میلادی، آلوین تافلر با عنایت به ظهور آثار و کارکردهای کامپیوتری‌های شخصی و ماهواره‌ها و ارتباطات جدید در کتاب «جابه جایی در قدرت» یکی از پیامدهای جامعه فراصنعتی و موج سوم را تحول مفهومی و ساختاری در توانایی معرفی کرد که دیگر نه در صرف ابزارهای نظامی یا حتی دلارهای اقتصادی، بلکه در نظام دانایی و اطلاعات فوران می‌کند، به عنوان نمونه می‌توان به درآمد کتابخانه ملی انگلستان در سال ۱۹۹۳ اشاره کرد که از درآمد فروش نفت ایران در همان سال بیشتر بوده است (شبکه ملی...، ۱۳۷۵، ص ۱۱۵).

بدین ترتیب بود که مفهوم «جامعه اطلاعاتی» به میان آمد. در جامعه اطلاعاتی، آموزش و دانش از انحصار بیرون می‌رود و قابلیت دسترسی به آن تعمیم می‌یابد. دانایی، مردمی‌ترین منبع قدرت شده است (تافلر، ۱۳۷۰).

به سخن دیگر این تحولات ساختاری موجب دانش‌بر شدن زندگی (knowledge-based life) شده است، زندگی در ابعاد بسیار عمیقتر و گسترده‌تر از پیش به دانش و اطلاعات متکی شده است. مفهوم کسب و کار نیز بر اثر این تغییرات ساختاری، عمیقاً دگرگون شده است. کار یدی در برابر کار فکری، بیش از پیش، کم ارزش شده و مفاهیمی همچون «کارمند دانش» (knowledge worker) یا کارگر مغزی (Cogneteria) به میان آمده است. سازمانهای کار و خدمات نیز، الگوی سازمان یادگیرنده (learning organization) را پیش رو دارند. هریک از کارکنان این سازمانها نه تنها باید درباره شغل خود بلکه درباره شغل‌های همجوار و همه فرایندهای کار، مدیریت و محیط کار، به صورت مداوم اطلاعات تازه‌ای به دست آورند تا بتوانند در چرخه‌های کاری، حضور مؤثر داشته باشند. فرایندهای کار به باز آموزی و بهنگام سازی آگاهیها و مهارتها به صورت روزآمد مبتنی شده اند و کارکنان، بر حسب میزان نمادپردازی و کار فکری، کیفی و خلاق و به جریان انداختن و خلق دانش و فناوری، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. به همین دلیل است که در یک شرکت خودروسازی در ایالت ایندیانا، سرانه آموزشی مدیران، سرپرستان و کارکنان به ۸ تا ۱۰ هزار دلار در سال رسیده و

سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه برای شرکتها اهمیت درجه اول پیدا کرده است (تافلر، ۱۳۷۰). هندی، از تحولات جاری جهان به‌عنوان یک انقلاب کپرنیکی دیگر یاد می‌کند که در آن الگوها به صورت بنیادی در تحول است و شهروندان تنها از طریق سهام شدن در نظام دانایی و معرفت می‌توانند با این تحولات همراهی خلاق داشته باشند، چرا که منابع قدرت، ثروت و منزلت به صورت عمیقی با نظام معرفت پیوند خورده است (چالز هندی، ۱۳۷۵). هندی می‌افزاید که در اروپای سال ۲۰۰۰، تا ۷۰٪ از مشاغل عمیقاً به مهارتهای فکری، عملی و تخصصی متکی می‌شوند و این شاخص در امریکا تا ۸۰٪ می‌رسد. ۶۰٪ مشاغل جدید از نوع تخصصی می‌شوند و اقتصاد دانش بنیاد (knowledge based economy) شکل می‌گیرد. کار فرمایان بیش از پیش به دنبال صلاحیتهای بیشتر با ماهیت دانشی، فنی، تخصصی و میان تخصصی هستند. ارزش افزوده در سازمانهای جدید، از طریق دانش فنی و خلاقیت، انباشته می‌شود. هندی، عوامل مؤثر در ایجاد ارزش افزوده را با معادله‌ای تحت عنوان «سه آی» بدین صورت بیان کرده است (هندی، ۱۳۷۵): هوشمندی (Intelligence)، اطلاعات (Information) و اندیشه (Idea). بدین ترتیب سازمانهای جدید بر اندیشه، هوشمندی، خلق اندیشه، ابداع و نوآوری مبتنی هستند و در آنها، مهمترین دارایی، دارایی فکری (intellectual property) است.

مفهوم دارایی و مالکیت نیز تحول یافته است. دارایی اصلی‌تر، اطلاعات و دانایی است. در جامعه اطلاعاتی، مالکیت معنوی اهمیت روزافزون پیدا می‌کند (هندی، ۱۳۷۵). زندگی به صورت فزاینده‌ای، اطلاعاتی می‌شود. رایانه‌های شخصی به هم پیوسته، مجموعه‌ای از شبکه‌ها و شاهراههای بزرگ اطلاعاتی (information highways) را به وجود می‌آورد. تارجهانگستر، محیط مانیتوری بین الاذهانی فراهم می‌کند (گیس، ۱۳۷۶).

مشاغل بیش از گذشته مبتنی بر علم شده‌اند. برحسب برآوردهای کارشناسی اواخر قرن بیستم، محتوای علمی مشاغل هر ده سال یک بار دو برابر می‌شد. پیشرفت فرایندهای اطلاعاتی شدن و جهانی شدن، این روند را هر چه بیشتر دامن

می‌زند. انفجار اطلاعات در گستره‌ای از ارتباطات، سبب شده که گاهی بهره‌برداری از نظام دانایی جدید به نوشیدن آب از تلمبه‌های آتش‌نشانی تشبیه شده است (Waldrop, 1995).

مانوئل کاستلز نیز ویژگی‌های ساختی - کارکردی جامعه شبکه جهانی را در انتهای قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم میلادی به گونه‌ای که در همه شئون خود، عمیقاً مبتنی بر دانش و اطلاعات است، توصیف کرده است. جامعه شبکه‌ای با خود واقعیت مجازی را نهادینه ساخته است که بر بستر آن، جریانهای نمادین اطلاعاتی به تعامل می‌پردازند. مفهوم زمان و مکان دچار تحول مفهومی گشته است. معنا نسبت به کارکرد برجسته‌تر شده است. صنعت‌گرایی به اطلاعات‌گرایی، کارستی به کار مبتنی بر دانش و مبادله دانش در محیط کار، مشاغل یدی به مشاغلی با بار اطلاعاتی و دانشی، تحول می‌یابد، (کاستلز، ۱۳۸۰) در ابرمتن شبکه‌ای، گذشته، حال و آینده به هم پیوسته است و به صورت بین‌الذهانی، محیط فرهنگی - اطلاعاتی نمادینی فراهم آورده است. فضای جریانی متفاوت با فضای مکانیکی - فیزیکی سنتی شکل می‌گیرد. جامعه اطلاعاتی، فرایندی فضایی و مجازی است. زمان و مکان به جریانهای اطلاعاتی از سرمایه، تصویر، صدا و نماد تبدیل گشته و عمیقاً مبتنی بر دانش و فناوری شده است.

مفهوم جامعه یادگیرنده (learning society)، جایگاه و موضوعیت آموزش و دانش را در زندگی روزمره یک شهروند در ابعاد تازه‌ای مطرح ساخته است. آموختن حق شهروندی شناخته شده و هرکس باید الگوی آموزشی مادام‌العمری برای خود داشته باشد و باید بیاموزد که چگونه یاد بگیرد (Brown, 2002).

بدین ترتیب از یک سو، آموزش (آموختن) و دانستن، به صورت یکی از بنیادی‌ترین و کیفی‌ترین حق و حقوق بشری و شهروندی بیش از هر زمان دیگر در گذشته، موضوعیت و اهمیت پیدا کرده است و از سوی دیگر، الگوهای آموزشی بر اثر تحولات ساختاری، هر چه بیشتر از انعطاف و تنوع برخوردار شده و حالت مجازی پیدا کرده‌اند. آموزش غیر رسمی (nonformal education) نیز اهمیت روز افزون پیدا کرده است. نظامهای آموزش عالی ناگزیر باید نسبت به تمام این

تحولات از خود واکنش نشان داده و به تناسب تحول یابند (نمودار ۱).
تحولات ساختاری جامعه ایران را نیز باید به تحولات ساختاری در جهان افزود. جامعه‌ای با جمعیت جوان و مطالبات روبه رشد، به علاوه مشارکت جویهای دائم التزاید زنان، روز به روز تقاضای دسترسی به آموزش عالی را افزونتر می‌سازد. در سال ۱۳۸۰ جمعیت کشور به ۶۴ میلیون نفر رسیده است که بیش از ۴۰٪ آن شهرنشین بودند. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۳۹۰، جمعیت به ۷۴ تا ۷۷ میلیون نفر خواهد رسید. کل افزایش جمعیت در سال ۸۰ تا سال ۹۰ به شهرها تعلق خواهد داشت. این در حالی است که در سال ۹۰، گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ ساله با جمعیتی بالغ بر ۱۱ میلیون نفر، ابعاد تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی را وسعت قابل توجهی خواهد بخشید (علیزاده، ۱۳۸۱).

بدین ترتیب است که جنبه‌های مسأله شناختی دسترسی به آموزش عالی خود را نشان می‌دهد. در دنیایی که توسعه علمی در آن «شرط بقا» است و توسعه علمی نیز به نوبه خود به «توسعه آموزش عالی» موقوف شده است چگونه می‌توان بدون افزایش کمی و کیفی دسترس به آموزش عالی، مسیر توسعه را پیمود؟
توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز توسعه صنعتی، بشدت وابسته به توسعه آموزش عالی و افزایش دسترسی به آن است. برای مثال روابط کم و بیش پایداری که در جوامع انسانی اتفاق افتاده است نشان می‌دهد که اگر در قبال حدود ۲۰ میلیون دانش آموز ایرانی، ۱/۵ میلیون دانشجوی را در نظر بگیریم، از این تعداد، حدود ۱۰۰ هزار نفر دانشجوی تحصیلات تکمیلی به بار می‌آید و از این تعداد نیز ۱۰ هزار رساله کارشناسی ارشد تدوین و ارائه می‌شود. تعداد رساله‌های دکتری به ۱۰۰۰ رساله انجامیده و حداکثر ۱۰۰ نوآوری جدی از این تعداد رساله حاصل می‌شود. سرانجام، از میان ۱۰۰ نوآوری می‌توان انتظار داشت ۱۰ نظریه خرد و سرانجام یک نظریه کلان تولید می‌شود. (منصوری، ۱۳۷۷)

رابطه میان تعداد پژوهشگر دانشگاهی و دستیابی به خط تولید محصول جدید نیز به گونه‌ای مشابه ترسیم شده است. بر این اساس ده هزار پژوهشگر تربیت یافته در دانشگاه لازم است که ده هزار گزارش پژوهشی تهیه کند، از این تعداد پژوهش

هزار مقاله تحقیقی، از این تعداد مقاله ۱۰۰ اختراع و از این تعداد اختراع ۱۰ محصول جدید و سرانجام از آن میان یک خط تولید تازه پدید می‌آید (عظیمی، ۱۳۷۸). ناگفته نباید گذاشت که روابط کمی فوق‌لروماً مبین قانونی علمی و جهانشمول نیست، بلکه تجارب کشورهای مختلف، تحقق این رابطه را تا حدود زیادی محتمل ساخته است.

بدین ترتیب افزایش دسترسی به آموزش عالی به صورت یک مسأله ملی خود را نشان می‌دهد. در طرح پژوهشی حاضر پرسشهای زیر که ناظر به ابعاد مختلف موضوع است، هادی جریان پژوهش خواهد بود.

۲- سؤالات اصلی تحقیق

- ۱-۲- وضعیت دسترسی به آموزش عالی در حال حاضر چگونه است و آموزش عالی تا چه اندازه پاسخگوی تقاضای موجود اجتماعی است؟
- ۲-۲- توسعه دسترسی به آموزش عالی متضمن چه آثار و پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... است؟
- ۲-۳- سیر تحول دسترسی به آموزش عالی در کشور از آغاز تأسیس دانشگاه تا کنون چگونه است؟
- ۲-۴- موانع اساسی توسعه افزایش دسترسی به آموزش عالی کدامند؟
- ۲-۵- متقاضیان یا مخاطبان اصلی آموزش عالی چه گروههایی هستند و چه انتظاراتی از نظام آموزش عالی دارند؟
- ۲-۶- تجارب موفق جهانی در افزایش دسترسی به آموزش عالی مؤید به کارگیری کدام راهبردها، سیاستها و راهکارها است.
- ۲-۷- الگوی مطلوب افزایش دسترسی به آموزش عالی در ایران چیست؟
- ۲-۸- اجرای الگوی مطلوب افزایش دسترسی به آموزش عالی با چه تهدیدها، فرصتها، نقاط ضعف و قوتی در سطح ملی روبروست؟
- ۲-۹- راهبردها، سیاستها و راهکارهای تحقق این الگو کدامند؟

- قرن ۲۱
- همگانی شدن آموزش عالی
- تبدیل شدن آموزش عالی به تقاضای اجتماعی
- تعمیم دانایی
- نظام قدرت = نظام دانایی
- پیوند خوردن منابع قدرت، ثروت و منزلت بامنبع معرفت
- تبدیل جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی
- فناوری اطلاعات در نظام چند رسانه ای
- دانشبر شدن زندگی
- کارمند دانش
- سازمان یاد گیرنده
- جامعه یاد گیرنده
- افزایش سرانه آموزش
- آموزش به مثابه سرمایه گذاری و نه هزینه
- اقتصاد دانش
- دانش محور شدن و تخصصی تر شدن مشاغل
- دانش منشأ ارزش افزوده
- مالکیت معنوی
- تبدیل صنعت گرایی به اطلاعات گرایی
- آموزش در همه عمر
- جامعه شبکه‌ای مجازی
- آموختن چگونه یاد گرفتن
- دانش به عنوان حق بشری و شهروندی

۳- اهداف طرح جامع

۱-۳-۱- اهداف و دستاوردهای عام

۱-۱-۳- شناسایی ضعفها، شکافها و خطاهای سیستمی، راهبردی و روشی در نحوه سرمایه گذاری آموزش عالی و پاسخگویی به تقاضای مربوط به آموزش عالی در کشور؛

۱-۱-۲- ارائه راه حل‌های کاربردی برای ظرفیت‌سازی آموزش عالی و افزایش تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان در رشته‌ها و مقاطع اولویت دار و مورد نیاز برای رشد و توسعه درونزای کشور؛

۱-۳-۳- معرفی الگویی سیال و کارآمد و متناسب با تحولات ساختاری جامعه و جهان برای پاسخگویی به تقاضای اجتماعی آموزش عالی؛

۱-۳-۴- تدوین لایحه پیشنهادی نظام دسترسی به آموزش عالی کشور که شامل عناصر ساختاری، قوانین، نیروی انسانی و... می‌شود.

۲-۳- اهداف خاص

۱-۲-۳- شناسایی محدودیتهای بخش دولتی و درعین حال، قابلیت‌ها و ظرفیتهای بالقوه بخشهای غیردولتی برای افزایش دسترسی به آموزش عالی؛

۲-۲-۳- شناسایی محدودیتهای موجود در الگوها و روشهای سنتی آموزش عالی و پیشنهاد الگوها و روش‌شناسی بدیل برای افزایش دسترسی به آموزش عالی؛

۲-۳-۳- تحلیل محتوای دستورالعملها، مقررات و سازمانهای موجود در نحوه گزینش و پذیرش دانشجو و به منظور شناسایی تنگناها و تمهید محیط حقوقی متناسب با افزایش دسترسی به آموزش عالی؛

۲-۳-۴- نقد و بررسی ساختارهای موجود در آموزش عالی مانند سازمانهای دانشگاهی، نظام مالی، برنامه‌های درسی، الگوهای آموزشی و... به منظور رفع موانع افزایش دسترسی به آموزش عالی.

۴- تعاریف، مفاهیم، مبانی نظری و روش‌شناسی

۴-۱- تعاریف و مفاهیم پایه

۴-۱-۱- تعریف دسترسی به آموزش عالی، عناصر مفهومی و مؤلفه‌های آن؛

۴-۱-۲- ابعاد دسترسی به آموزش عالی و گستره؛

۴-۱-۲-۱- اشکال آموزش عالی: رسمی و غیررسمی (آموزش عالی آزاد و

پاسخگویی به سفارشهای موردی جامعه و بخش‌های مختلف)؛

۴-۱-۲-۲- سطوح تحصیلی، مقاطع، دوره‌ها و رشته‌های آموزش عالی علوم پایه،

تحصیلات تکمیلی، بین رشته‌ای، علمی، کاربردی؛

۴-۱-۲-۳- انواع مؤسسات مجری آموزش عالی: داخل و خارج کشور/ بخش

دولتی و بخش غیر دولتی / ...

۴-۱-۲-۴- روش‌های دسترسی به آموزش عالی: حضوری، نیمه حضوری،

فراگیر، ترددی، مبادله‌ای، الکترونیکی؛

۴-۱-۲-۵- مؤلفه‌های مؤثر بر دسترسی نظام مدیریت، نظام مالی، نظام گزینش

دانشجو و ... ؛

۴-۱-۲-۶- ابعاد افزایش دسترسی: ظرفیت‌سازی برای توسعه تقاضای اجتماعی

آموزش عالی، افزایش تعداد دانشجویان، افزایش تعداد دانش‌آموختگان؛

۴-۱-۲-۷- گروه‌های هدف گروه سنی ۱۸-۲۴ سال، گروه‌های استثنایی،

گروه‌های خاص؛

۴-۱-۳- ارزیابی و کنترل.

بر مبنای این تعاریف و مفاهیم، طرح حاضر، ابعاد مختلف افزایش دسترسی به

آموزش عالی را از وجوه گوناگون در همه اشکال آموزش عالی و سطوح تحصیلی

به تفکیک انواع مؤسسات و روش‌های مختلف دسترسی و گروه‌های هدف مورد

مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

۴-۲- مبانی نظری

موارد ذیل برخی از مهمترین ابعاد یا مبانی نظری است که در بحث افزایش

دسترسی به آموزش عالی باید مورد توجه قرار گیرد. به دیگر سخن پژوهش حاضر در مقام احصای کلیه مباحث نظری مرتبط با این حوزه نیست.

۴-۲-۱- جامعه‌شناسی علم، مبانی جامعه‌شناختی و معرفت‌شناختی توسعه علوم و فناوری، مقایسه رهیافتهای نظری بدیل در توسعه علمی؛

۴-۲-۲- پدیدارشناسی دانشگاه و کارکردهای آن، بخش دانش و فناوری و مأموریت‌های آن در ابعاد ملی و جهانی؛

۴-۲-۳- مقایسه نظامهای آموزش عالی و دانشگاهی (بنا پارتی متمرکز، هومبولتی، پژوهش محور و مستقل، کارآفرین و...)

۴-۲-۴- جامعه‌شناسی آموزش عالی: دانشگاه و جامعه، التزام اجتماعی دانشگاه، دانشگاه پاسخگو، دانشگاه خدمت، دانشگاه حل مسأله؛

۴-۲-۵- اقتصاد آموزش عالی: عرضه و تقاضا، کالاها و خدمات آموزشی، بازار آموزش عالی و مشتریان، کارایی و اثر بخشی و کارآفرینی آموزش عالی، دانشگاه و دنیای کار، محدودیت‌های مالی آموزش عالی، متنوع کردن منابع مالی، ارزان کردن دسترس و...؛

۴-۲-۶- روانشناسی اجتماعی آموزش عالی: متغیرهای انگیزشی، تئوری نیازها، کسب مطلوبیت از آموزش عالی، انتظار از آموزش عالی؛

۴-۲-۷- سنخ‌شناسی رویکردهای بدیل به آموزش عالی و دانشگاه: آموزش عالی اشتغال مدار یا فرهنگ مدار، دانشگاه به عنوان نهاد خادم بازار یا به عنوان نهاد فرهنگ سازی، تفکر آفرینی، جامعه‌پذیری علمی، تولید علم و...؛

۴-۲-۸- پارادایم‌های بدیل درهمگانی کردن آموزش عالی (عدالت توزیعی یا عدالت طبیعی / نقش دولت و بخش‌های غیر دولتی و...؛

۴-۲-۹- آموزش عالی و چالش‌های جهانی شدن و بومی شدن؛

۴-۲-۱۰- گونه‌شناسی مدیریت آموزش عالی و مسأله خودگردانی، مشارکت، رهبری علمی و اداری و... .

۴-۳- روش شناسی توصیفی - تحلیلی

۴-۳-۱- داده اندوزی؛

۴-۳-۱-۱- مطالعات کتابخانه‌ای و شبکه‌ای و مصاحبه‌های عمیق واکتشافی برای دستیابی به نظریات، رهیافتها و رویکردها؛

۴-۳-۱-۲- بررسی اسنادی: آمار، اسناد و گزارشهای آموزش عالی و دسترس به آموزش عالی؛ گزارشهای نیازسنجی نیروی انسانی متخصص در بخشها و بین بخشها؛ گزارشهای برآورد تقاضای اجتماعی آموزش عالی؛

۴-۳-۱-۳- روشهای مطالعه تطبیقی؛

۴-۳-۱-۴- روشهای مطالعه تاریخی؛

۴-۳-۱-۵- مطالعات میدانی به وسیله پرسشنامه: اندازه‌گیری نیازها، تقاضاها، انتظارات، علایق، گرایشها، نگرشها؛ رفتارهای گروههای اجتماعی و فرهنگی؛

۴-۳-۲- داده پردازی؛

۴-۳-۲-۱- تفسیر انتقادی: نظریات، رهیافتها و رویکردها و گزارشها؛

۴-۳-۲-۲- تحلیل محتوا: قوانین، ساختارها، سازمانها، برنامه‌ها و مقررات؛

۴-۳-۲-۳- تجزیه و تحلیل آماری از جمله تحلیل روند و تحلیل مسیر: اطلاعات کتابخانه‌ای، شبکه‌ای، آرشیوی، میدانی (در نمودارهای ۲ تا ۵ ترتیب مباحث و مؤلفه‌های افزایش دسترسی به آموزش عالی، فرایند و وجوه آن نشان داده شده است).

۵- نحوه انجام تحقیق و مراحل اجرای طرح جامع

طرح جامع بررسی نظام افزایش دسترسی به آموزش عالی در سه مرحله به اجرا درمی آید:

۵-۱- مرحله اول: پژوهش پایه و اولیه کلان نگر

در این مرحله، مطالعه پایه به صورت کلان نگر و با هدف تولید چارچوب مرجع

نظری به صورت عام و تهیه اطلاعات پایه لازم و مسأله شناسی دسترسی به آموزش عالی به منظور دستیابی به اصول راهبردی افزایش دسترسی، به تعریف، تدارک و سفارش پروژه‌های پژوهشی تفصیلی در محورها و موضوعهای اختصاصی تر صورت می‌پذیرد. هدف اختصاصی این مرحله تدوین کلیات لایحه افزایش دسترسی به آموزش عالی است.

۵-۲- مرحله دوم: اجرای طرحهای پژوهشی تفصیلی

این مرحله با آغاز به اجرای حدود ۵۰ پروژه تحقیقاتی تخصصی تر در موضوعها و مسائل مربوط به نحوه افزایش دسترسی به آموزش عالی شروع می‌شود و از طریق تشکیل گروههای علمی و کاری و داوران متخصص به صورت مدیریت پژوهشی، نظارت بر فرایندها و تضمین کیفیت برای حصول اهداف و دستاوردهای مورد انتظار به اجرا در می‌آید. هر یک از زیر پروژه های یاد شده دارای فصول و محورهایی بدین شرح خواهد بود.

۵-۲-۱- مطالعه پیشینه؛

۵-۲-۲- چهارچوب نظری و روش شناسی؛

۵-۲-۳- تعریف شاخصهای عملیاتی و نشانگرها؛

۵-۲-۴- توصیف وضع موجود؛

۵-۲-۵- بررسی تطبیقی و ترسیم وضع مطلوب؛

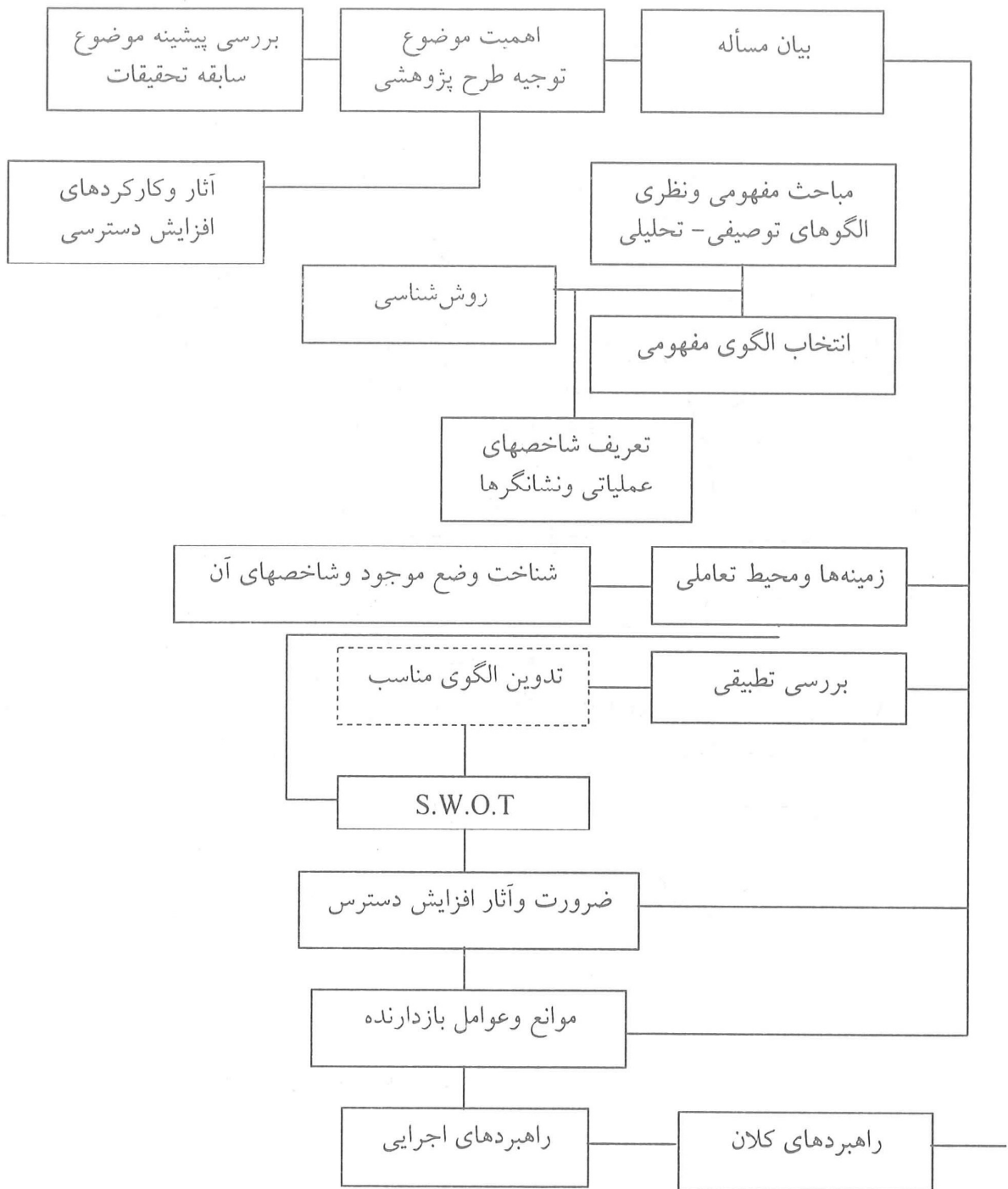
۵-۲-۶- بررسی فرصتها، نقاط ضعف و قوت؛

۵-۲-۷- راهبردها و سیاستها؛

۵-۲-۸- راهکارهای قانونی (قوانین، ساختارها، نیروی انسانی)

۵-۳- مرحله سوم: تلفیق مطالعات و دستاوردها

در این مرحله، ابتدا مطالعات تطبیقی و تلفیقی برای استحصال و تجمیع یافته‌های طرحهای تخصصی صورت می‌پذیرد و پس از برگزاری سمینار سه روزه و تشکیل کمیته‌های کارشناسی و علمی به منظور بررسی دستاوردها و یافته‌های طرحهای مزبور، سرانجام گروههای کاری به تهیه گزارشهای تلفیقی و دستاوردهای نهایی

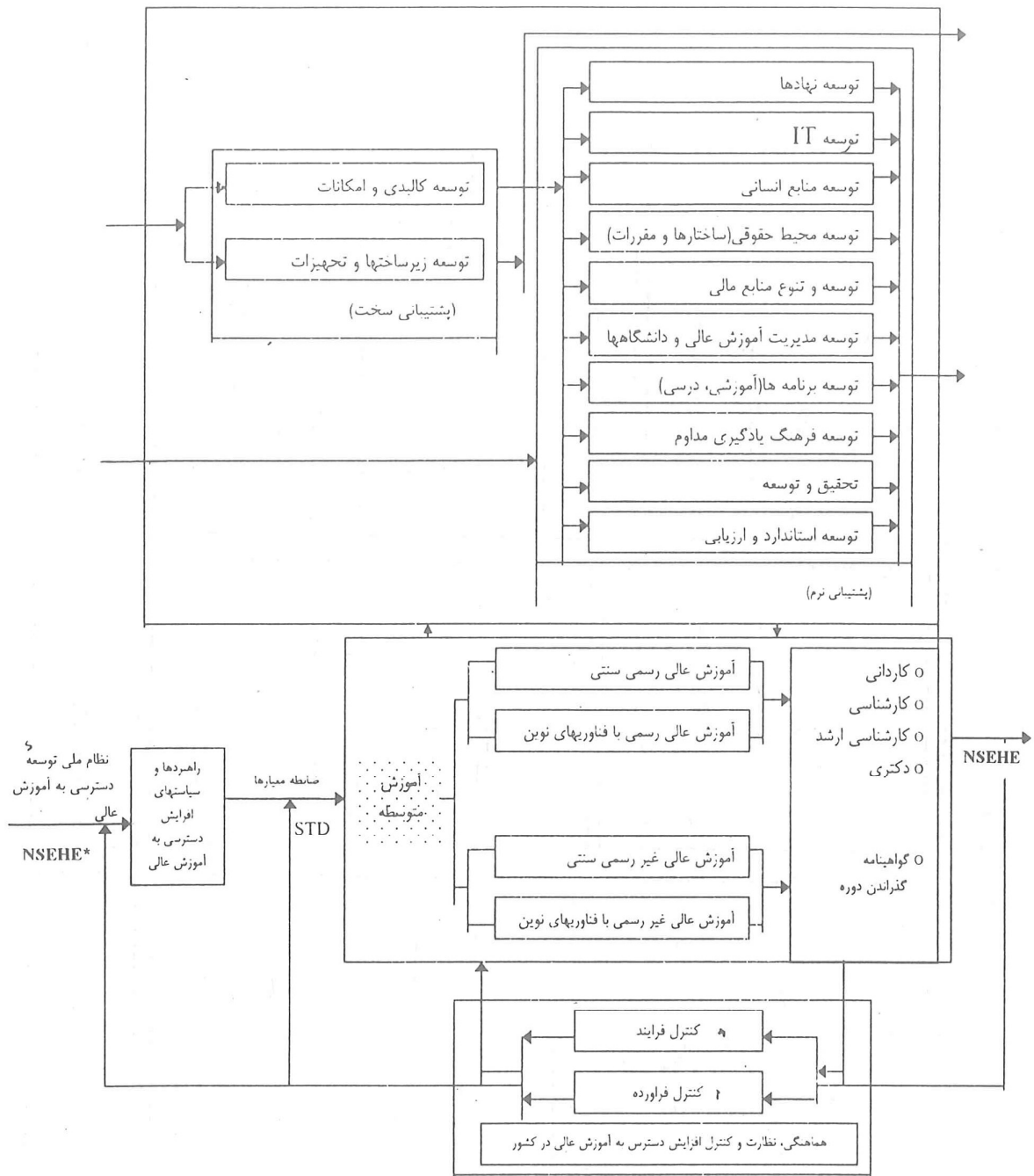


نمودار ۲ ترتیب مباحث طرح پژوهشی بررسی نظام افزایش

دسترس به نظام آموزشی آموزشی

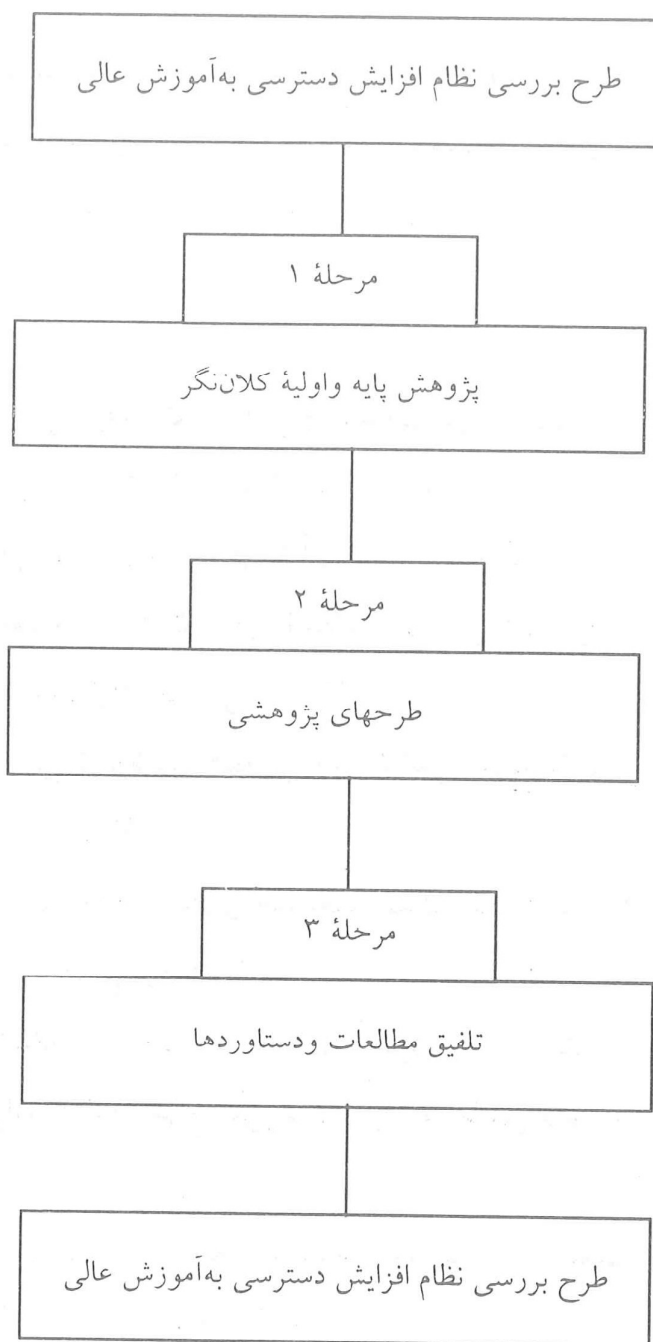


نمودار ۳ مؤلفه‌های نظام افزایش دسترسی به آموزش عالی



نمودار ۴ فرایند کلان نظام افزایش دسترسی به آموزش عالی

د. روشهای دسترسی	۱. حضوری (ستی) ۲. از راه دور (غیر حضوری) ۳. نیمه حضوری (شبکه ای)
ج. انواع مؤسسات	۱. دولتی ۲. وابسته به دستگاههای اجرایی ۳. خصوصی و غیر دولتی ۴. دوره های مشترک داخلی و خارجی ادولتی و خصوصی
ز. گروههای هدف	۱. جوانان ۱۸-۲۴ ساله ۲. گروه های استثنایی (پرتوانها، کم توانها) ۳. گروه های خاص (معلمان، مدیران، صاحبان حرف و مشاغل، خانانهای؛ خانه دار. .)
ب. سطوح تحصیلی	۱. کاردانی (پیوسته - ناپیوسته) ۲. کارشناسی / پایه (پیوسته - ناپیوسته) ۳. کارشناسی ارشد ۴. دکتری ۵. دوره های آزاد
الف. اشکال آموزش عالی	۱. آموزش رسمی ۲. آموزش غیر رسمی
هـ. مؤلفه های مؤثر بر دسترسی	Cor.
و. ابعاد افزایش دسترسی	۱. ظرفیت سازی ۲. افزایش تعداد دانشجویان ۳. افزایش تعداد دانش آموزان
۱. نظام مدیریت ۲. نظام مالی / تأمین منابع ۳. نظام گزینش دانشجوی ۴. نظام تأمین هیات علمی ۵. برنامه های درسی ۶. پشتیبانی سخت	Sup.
ارزیابی و کنترل	Con.



نمودار ۶ مراحل تدوین لایحه نظام دسترسی به آموزش عالی

طرح جامع و در نهایت تدوین راهبردها، راهکارها و پیشنهادهای لازم برای تهیه لایحه قانونی به همراه ضوابط و مقررات و دستورالعملهای مربوط به نظام افزایش دسترس به آموزش عالی اقدام می‌کنند. (نمودار ۶).

فهرست منابع

- [۱] تافلر، ا: جابجایی در قدرت، دانایی و خشونت در آستانه قرن ۲۱؛ مترجم: شهیندخت خوارزمی؛ انتشارات خوارزمی؛ ۱۳۷۰.
- [۲] شبکه ملی اطلاع‌رسانی ایران و قابلیت‌ها آن؛ مرکز ارتباطات و انتشارات ایتا؛ ۱۳۷۵.
- [۳] عظیمی، ح.؛ مجموعه مقالات اولین اجلاس بررسی عملکرد و خدمات دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- [۴] عزیزاده، م.؛ گزارش تحولات جمعیتی و بازشناسی منابع انسانی کشور؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؛ ۱۳۸۱.
- [۵] کاستلز، م.؛ عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه‌ای؛ مترجم: احد علیقلیان و همکاران؛ انتشارات طرح نو؛ ۱۳۸۰.
- [۶] گتیس، ب.؛ راه آینده؛ مترجم: محمد علی آسوده؛ انتشارات ستارگان؛ ۱۳۷۵.
- [۷] منصوری، ر.؛ ایران ۱۴۲۷: عزم ملی برای توسعه علمی و فرهنگی، انتشارات طرح نو؛ ۱۳۷۷.
- [۸] هندی، چ.؛ عصر سنت‌گریزی (مدیریت و سازمان در قرن بیست و یکم)؛ مترجم: عباس مخبر؛ انتشارات طرح نو؛ ۱۳۷۵.
- [۹] هندی، چ.؛ عصر تضاد و تناقض؛ مترجم: محمود طلوع؛ انتشارات رسا؛ ۱۳۷۶.
- [10] Brown.; **the Right to Learning**; Rout ledge, New york; 2001.
- [11] Woldrop, M.M; "**learning Drink from of Firehose Science**"; No.948; May 1990.